

درمسقط ورم موضع ایران روشن بوده است، حالا ۵ سناریو برای ترامپ وجود دارد

ایران به دنبال رفع تحریم مؤثر



تله دیپلماتیک برای توجیه اقدامات نظامی

یکی از محتمل ترین سناریوهای پیش رو در روابط آمریکا و ایران، استفاده از مذاکرات دیپلماتیک به‌عنوان تله‌ای برای توجیه اقدامات سخت‌گیرانه، مانند حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران یا گروه‌های مقاومت در منطقه، به‌ویژه در یمن است. در این سناریو، اظهارات مثبت اولیه و سکوت استراتژیک دونالد ترامپ بخشی از برنامه‌ای طراحی‌شده برای ارائه تصویری از آمریکا به‌عنوان طرفی مذاکره‌کننده با حسن‌نیت است. با این حال، هدف اصلی ممکن است به شکست کشاندن مذاکرات با طرح خواسته‌های غیرقابل قبول و سپس مشروعیت‌بخشی به اقدامات نظامی با تحریم‌های جدید یا ادعای «عدم همکاری ایران» باشد. شواهد متعددی این احتمال را تقویت می‌کنند. نخست، تغییر ناگهانی موضع ویتکاف، نماینده آمریکا در مذاکرات هسته‌ای، از پذیرش غنی‌سازی محدود به درخواست نابودی کامل برنامه هسته‌ای ایران، نشان‌دهنده تلاش برای ایجاد موانع غیرقابل عبور در مسیر مذاکرات است. این تغییر موضع می‌تواند به‌عنوان بخشی از استراتژی عمدی برای وادار کردن ایران به رد پیشنهاده‌ها و درنتیجه، فراهم کردن بهانه‌ای برای اقدامات بعدی تلقی شود. دوم، برگزاری جلسه اتاق بحران کاخ سفید با حضور مقامات ارشد، ازجمله مایک والتز و مارکو روبیو، که هر دو از حامیان سرسخت سیاست فشار حداکثری هستند، نشانه‌ای از آمادگی برای سناریوهای نظامی است. سوم، تهدیدهای مکرر ترامپ علیه ایران مبنی بر تقابل نظامی در صورت شکست مذاکرات و چهارم، مقدمه‌چینی برای اقدام نظامی گسترده علیه یمن به‌روشنی زمینه‌سازی برای اقدامات تهاجمی را نشان می‌دهد.

این استراتژی با منافع متحدان منطقه‌ای آمریکا، به‌ویژه اسرائیل، همخوانی دارد. بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل بارها خواستار نابودی کامل برنامه هسته‌ای ایران شده و ممکن است از مذاکرات جاری به‌عنوان فرصتی برای فشار بر آمریکا جهت اقدام نظامی استفاده کند. اسرائیل که خود را در معرض تهدید مستقیم ایران می‌داند، احتمالاً از هرگونه تشدید تنش برای تضعیف توان نظامی ایران استقبال می‌کند. با این حال، این سناریو بدون ریسک نیست. حمله نظامی به ایران می‌تواند تبعات گسترده‌ای ازجمله تشدید تنش‌های منطقه‌ای و حملات تلافی‌جویانه به پایگاه‌های نظامی آمریکا به دنبال داشته باشد که متحدان منطقه‌ای میزبان این پایگاه‌ها را نیز تحت‌تأثیر

بسا اظهارات اخیر او مبنی بر «عدم عجله برای حمله به ایران» و تأکید بر دیپلماسی تقویت می‌شود. استراتژی فعلی می‌تواند ترکیبی از دیپلماسی و فشار اقتصادی باشد که به دنبال کسب امتیاز سیاسی در کوتاه‌مدت است. این رویکرد می‌تواند به بهبود وجهه ترامپ در میان حامیان‌ش و کاهش انتقادات از عملکرد دولتش کمک کند. تحقق این سناریو نیز خالی از چالش نیست. مذاکرات با ایران به دلیل پیچیدگی‌های فنی، مانند سطح غنی‌سازی اورانیوم و مسائل سیاسی ازجمله بی‌اعتمادی متقابل، بعید است در کوتاه‌مدت به نتیجه‌ای قابل قبول برای افکار عمومی آمریکا منجر شود. علاوه بر این، اختلافات داخلی در تیم سیاست خارجی ترامپ، به‌ویژه بین ویتکاف که از دیپلماسی محدود حمایت می‌کند و چهره‌هایی مانند والتز که خواستار تداوم فشار حداکثری هستند، نشان‌دهنده فقدان هماهنگی برای دستیابی به توافق سریع است. این عدم انسجام، همراه با فشارهای اسرائیل برای حفظ موضع سخت‌گیرانه، احتمال موفقیت سریع این سناریو را کاهش می‌دهد.

شرطی‌سازی افکار عمومی برای توافقی بازگشت‌ناپذیر

احتمال سوم این است که آمریکا با اظهارات مثبت و ادامه مذاکرات، در حال شرطی‌سازی افکار عمومی ایران نسبت به مزایای توافق است تا عقب‌نشینی برای تهران دشوار شود. این استراتژی می‌تواند با اظهارات مثبت اولیه ویتکاف و کاخ سفید همخوانی داشته باشد. با ایجاد انتظارات مثبت در افکار عمومی ایران، آمریکا می‌تواند فشار روانی بر تیم مذاکره‌کننده ایرانی را افزایش دهد تا امتیازات بیشتری واگذار کنند. این روش نوعی عملیات روانی است که با بهره‌گیری از رسانه‌ها و اظهارات رسمی، سعی در شکل‌دهی به ذهنیت جامعه ایرانی دارد. البته اظهارات متناقض مقامات آمریکایی، مانند تفاوت در لحن کاخ سفید و وزارت خارجه، می‌تواند این استراتژی را تضعیف کند. چنین تناقض‌هایی امکان تأثیرگذاری بر افکار عمومی را به‌مرور کاهش می‌دهد. رسانه‌های ایرانی و مقامات رسمی می‌توانند با برجسته کردن خطرات اعتماد به آمریکا، افکار عمومی را در برابر این شرطی‌سازی مقاوم‌تر کنند. همچنین تمرکز ایران بر «رفع تحریم مؤثر» و تضمین‌های عینی، نشان‌دهنده هوشیاری تهران نسبت به این نوع فشارهای روانی است.

بعد از پایان دور دوم مذاکرات بین ایران و آمریکا در رم مقامات ایرانی روند مذاکرات را رو به جلو توصیف کردند. سیدعباس عراقچی درحالی مذاکرات را «درحال پیشرفت» توصیف کرده است‌که مقامات آمریکایی ازجمله ترامپ در مورد این دور از مذاکرات تاکنون اظهارنظری نداشته و سکوت کرده‌اند. اینکه پیش از آغاز دور دوم آمریکایی‌ها لزوم برجیده شدن زیرساخت‌های هسته‌ای را مطالبه کرده و پس از مذاکرات در مقابل تعبیر «رو به جلو بودن مذاکرات» که وزیرخارجه کشورمان به کار برده با سکوتشان به تعبیر روایت طرف ایرانی دامن بزنند نشان می‌دهد آن‌ها لاقول در دوره‌ای ابتدایی مذاکرات در صحنه واقعی رویکردی کاملاً متضاد با ادبیات رسانه‌ای خود داشته‌اند. برای درک بهتر سکوت ترامپ و تناقض مواضع رسانه‌ای هیئت آمریکایی با روند مذاکرات، حداقل ۵ احتمال را می‌توان مورد بررسی قرار داد که البته سابقه تاریخی آمریکا در بازی با ابزار دیپلماسی و واقعیات میدانی عیار هریک از این احتمالات را مشخص می‌کند. سکوت رموز ترامپ و تناقض‌های مواضع آمریکا نشان‌دهنده استراتژی‌ای چندلایه است که ممکن است ترکیبی از دیپلماسی، فشار و تله‌گذاری برای اقدامات بعدی باشد. ادامه مذاکرات درسطح کارشناسی فرصتی برای تهران است تا با شفافیت و قاطعیت، از منافع خود دفاع و از تکرار تجربه برجام جلوگیری کند.

حرکت به سوی توافقی محدود

عدول دونالد ترامپ از خواسته‌های حداکثری و حرکت به سوی توافقی محدود با ایران یکی از سناریوهای احتمالی در سیاست خارجی دولت جدید اوست. ترامپ ممکن است از خواسته‌های اولیه خود مانند برچیدن کامل زیرساخت‌های هسته‌ای ایران، عقب‌نشینی کند و به دنبال توافقی محدود، مشابه برجام باشد. این احتمال با اظهارات اولیه ویتکاف، نماینده ترامپ، در فاکس نیوز که به پذیرش غنی‌سازی محدود توسط ایران اشاره داشت، تا حدی همخوانی دارد. همچنین اخبار متعددی در این باره در رسانه‌ها منتشر شده است که ایران و آمریکا بر سر اصولی برای محدود کردن غنی‌سازی به توافق اولیه رسیده‌اند. چنین توافقی می‌تواند به کاهش تنش‌ها در منطقه و جلوگیری از تشدید درگیری‌ها کمک کند.

بااین حال، این سناریو با چالش‌های جدی مواجه است. نخست، ترامپ بارها برجام را «بدترین توافق تاریخ» توصیف کرده و در دوره اول ریاست جمهوری خود از آن خارج شد. پذیرش توافقی مشابه می‌تواند از نظر سیاسی برای او پررهنه باشد، به‌ویژه در برابر پایگاه حامیان تندروی داخلی و متحدان منطقه‌ای مانند اسرائیل که خواستار رویکردی سخت‌گیرانه‌تر هستند. دوم، اظهارات متناقض ویتکاف و سخنگوی کاخ سفید، که بر توقف کامل برنامه غنی‌س‌سازی ایران تأکید داشتند، نشان‌دهنده نبود اجماع در تیم سیاست خارجی ترامپ است. این تناقضات احتمال دستیابی به توافق محدود را تضعیف می‌کند. علاوه بر این، استراتژی «فشار حداکثری» ترامپ که بر اعمال تحریم‌های شدید و انزواي اقتصادی ایران متمرکز بود، با پذیرش توافقی محدود بدون تضمین‌های قابل توجه از سوی ایران سازگاری ندارد.

نیاز فوری به توافق برای جبران ناکامی‌های دیگر

یکی از احتمالات در سیاست خارجی دونالد ترامپ، تلاش برای ثبت یک دستاورد دیپلماتیک با ایران به منظور جبران ناکامی‌ها در سایر پرونده‌هاست. شکست در توقف جنگ‌های اوکراین و غزه، ناتوانی در عملیاتی کردن تعرفه‌های اقتصادی، عدم پیشرفت در ایده‌های جنگجایی مانند مالکیت بر گرینلند، کانادا یا خلیج مکزیک و چالش‌های کنترل اعتراضات اجتماعی داخلی، ممکن است ترامپ را به سوی مذاکره با ایران سوق دهد. این احتمال

چه خبر از براندازان؟

براندازان این روزها چه می‌کنند و در میان اخبار سیاسی جهان که ایران صدرنشینی زیادی دارد، آن‌ها که سال ۱۴۰۱ را آخرین سال نظام جمهوری اسلامی می‌دانستند، چه نقشی دارند؟ در ایران کمتر از براندازان صحبت می‌شود، آن‌ها بدون آشوب‌های خیابانی، نمود و بروز بسیار کم‌رنگی دارند و در میان خبرها گم می‌شوند. در خارج از ایران هم، کمک‌های آمریکا به آن‌ها قطع شده، چون نتوانستند پروژه تغییر نظام در ایران را به خوبی پیش ببرند و رئیس‌جمهور جدید آمریکا هم ترجیح داده هزینه‌های اضافی دولت را قطع کند. در فضای بین الملل هم گفت‌وگوهای ایران و آمریکا که نشانه‌ای از اراده طرفین برای حل مشکلات از مسیر دیپلماسی است، در حال پیگیری است و به نظر می‌رسد نقش چندانی به این سیاهی لشکرها سپرده نشده است. این گزارش نگاهی به برخی تحرکات و وضعیت ظاهری براندازان در روزهای اخیر دارد. به نظر می‌رسد براندازی که دروهم اپوزیسیون ایرانی فقط چند ماه تا تحقق در واقعیت فاصله داشت، حالا دیگر در رویاهایشان هم چندان پررنگ نیست و آن‌ها دربرخ امتداد جمهوری اسلامی و قطع کمک‌های مالی و جنگ و دعوای درون‌گروهی، دنبال زندگی آواره‌گونه خود هستند و البته این روزها حواشی بامزه‌ای گریبان‌گیر آنهاست.

مانور قدرت به نمایش ضعف رسید

تجمع سلطنت‌طلبان ایرانی در واشنگتن دی‌سی چندان برایشان رضایت‌بخش نبوده است. انتظار داشتند آدم‌های بیشتری بیایند و نیامدن و کیفیت و کمیت تجسمی که قرار بوده نمایش وحدت و مانور قدرت حامیان پهلوی باشد، خود دلیل اختلاف و نمایش ضعف براندازان شده است. از روزهای قبل تجمع، فعالان مجازی سلطنت‌طلب تبلیغات گسترده‌ای را برای آن شروع کردند. منوتو و ایندیندنت فارسی هم که از رسانه‌های سلطنت‌طلب محسوب می‌شوند، با آن‌ها همراهی کردند. اتوبوس‌هایی هم از بخش‌هایی در کانادا و آمریکا به شکل رایگان برای انتقال افراد به محل تجمع گذاشته شده بود. با این حال جمعیت حاضر برای خود برگزارکنندگان هم چنگی به دل نمی‌زد و باعث گلايه و ناامیدی آنان شد. شهرام ماکوویی، مشاور رضا پهلوی که از متولیان برگزاری این تجمع بود، از عدم استقبال ایرانیان مقیم کانادا و آمریکا از این تجمع خشمگین شده ودر توییته نوشته: «به نظر من شرم آور است که ایرانیان مریلند، ویرجینیا و واشنگتن دی‌سی، آن هم در روز کشنبه که [در آمریکا و اروپا] تعطیل است، از این تجمع استقبال نکردند؛ این یک ننگ بزرگ و شرم

قصر می‌دهد. همچنین واکنش گروه‌های مقاومت در یمن و لبنان می‌تواند دامنه درگیری را گسترش دهد و هزینه‌های سیاسی و اقتصادی سنگینی برای آمریکا و متحدانش به بار آورد. با این حال، تاریخچه سیاست خارجی آمریکا نشان می‌دهد که چنین استراتژی‌هایی، هرچند پرریسک، در گذشته نیز مورد استفاده قرار گرفته‌اند و نمی‌توان احتمال تکرار آن‌ها را نادیده گرفت.

پیشنهاد امتیازات بزرگ ازسوی ایران

احتمال پنجم این است که ایران امتیازات بزرگی به آمریکا پیشنهاد کرده و در مقابل، دونالد ترامپ را به سکوت تشویق کرده است. با این حال، این سناریو بسیار بعید به نظر می‌رسد. هیچ گزارش معتبری یا شواهد قابل اعتمادی وجود ندارد که نشان دهد ایران پیشنهادهایی فراتر از چهارچوب‌های اعلام‌شده ارائه کرده است. موضع قاطع ایران در رد مذاکره درباره برنامه موشکی یا سیاست‌های منطقه‌ای، محدودیت‌های تهران در ارائه امتیازات بزرگ را نشان می‌دهد. علاوه بر این، بر اساس اطلاعات به‌دست‌آمده توسط «فرهنگستان» از روند مذاکرات، ایران با به‌کاربردن تعبیر «رفع تحریم مؤثر»، به‌دنبال کسب امتیازات اقتصادی عینی و قابل توجه است. این راهبرد که با هدف جلوگیری از تکرار تجربه برجام و رفع تحریم‌های نمایشی طراحی شده، نشان می‌دهد مطالبات ایران به‌گونه‌ای نیست که بتواند رئیس‌جمهور آمریکا را به سکوت تشویق کند. درواقع، ایران با تمرکز بر تضمین‌های ملموس و رفع تحریم‌های واقعی، رویکردی محتاطانه و اصولی در پیش گرفته است که با ارائه امتیازات بزرگ به طرف مقابل سازگار نیست. با توجه به منطق حاکم بر مواضع ایران، این احتمال که تهران امتیازات بزرگی پیشنهاد کرده باشد، نعتها با واقعیت‌های موجود همخوانی ندارد، بلکه با راهبرد کلان ایران در مذاکرات نیز در تضاد است. بنابراین، دلایل رویکرد کنونی مذاکرات را باید بیشتر در چهارچوب تحلیل‌های ارائه‌شده در بندهای قبلی جست‌وجو کرد.

مقصرنمایی ایران نطفه تشدید تنش است

۴ و (تله دیپلماتیک برای اوجیه اقدام نظامی) از معتبرترین سناریوها به نظر می‌رسند. سکوت نسبی ترامپ، همراه با اظهارات متناقض ویتکاف و دیگر مقامات آمریکایی، می‌تواند بخشی از استراتژی‌ای باشد که هم افکار عمومی ایران را برای توافق تحریک کرده و به نوسانات اقتصادی دامن بزند و هم زمینه را برای اقدامات سخت‌گیرانه در صورت شکست مذاکرات فراهم کند. این رویکرد با استراتژی «فشار حداکثری» ترامپ و نیاز او به کسب دستاورد سیاسی یا نظامی در منطقه همخوانی دارد.

ایران از سوی دیگر، با تأکید بر «رفع تحریم مؤثر» و ادامه مذاکرات در سطح کارشناسی، نشان داده که به دنبال حفظ کانال دیپلماتیک است. با این حال، تجربه خروج آمریکا از برجام و اظهارات متناقض مقامات آمریکایی، تهران را نسبت به نیات واقعی واشنگتن محتاط کرده است. در مقابل این رویکرد ایران باید مواضع خود را با شفافیت بیشتری در داخل هماهنگ کند تا از تأثیرگذاری استراتژی شرطی‌سازی افکار عمومی توسط آمریکا جلوگیری شود. با توجه به احتمال تله دیپلماتیک، ایران باید آمادگی خود را برای واکنش به برجیده شدن ناگهانی میز مذاکره و اقدامات نظامی احتمالی تقویت کند. بسرای خنثی کردن روایت آمریکا مبنی بر «عدم همکاری ایران»، تهران باید گزارش‌های مداوم و شفافی از روند مذاکرات ارائه دهد و پیشاپیش تلاش‌ها برای پیشبرد سناریوی مقصرسازی تهران را خنثی کند. خنثی کردن این سناریو اقتضاع افکار عمومی داخلی آمریکا برای اقدام نظامی از جانب ترامپ علیه ایران را سخت‌تر می‌کند. چنین نگاهی هزینه تشدید تنش را برای ترامپ بالا برده و بازآزدنگی نسبی به نفع میز مذاکره به وجود می‌آورد.

فرهنگیتمان

فرهنگیتمان

فرهنگیتمان

فرهنگیتمان

فرهنگیتمان

فرهنگیتمان

فرهنگیتمان

فرهنگیتمان

فرهنگیتمان

فرهنگیتمان

فرهنگیتمان

فرهنگیتمان

فرهنگیتمان

فرهنگیتمان

فرهنگیتمان

فرهنگیتمان

فرهنگیتمان

فرهنگیتمان

فرهنگیتمان

فرهنگیتمان

فرهنگیتمان

فرهنگیتمان

فرهنگیتمان

فرهنگیتمان

فرهنگیتمان



بزرگ است. « جالب این بود که شهرام ماکوویی در توییتهای روزانه‌ای که برای تبلیغ این تجمع می‌زد، شعار بامزه‌ای برای این تجمع انتخاب کرده و آن را «آخرین نبرد» برای حمایت از رضا پهلوی می‌نامید. اما درنهایت این آخرین نبرد کذایی هم همچون کمپین امضا برای شاهزاده خیالی و یا سخنرانی او در همایش‌ها و اجلاس‌های مهم جهانی به شکست منجر شد.

واکنش شهرام همایون مجری حامی پهلوی هم به بعد دیگری از این شکست خیابانیی پرداخت و کیفیت برگزاری آن را زیر سؤال برد. او این تجمع را «تجمع شکست» نامید، اما نکته‌ای غیر از تعداد شرکت‌کنندگان هم داشت. سلطنت‌طلبان در این تجمع پرچم بزرگ شیر و خورشید را کف زمین انداخته و دور آن جمع شده بودند و در کنار پرچم شیر و خورشید در دستان خود پرچم رژیم صهیونیسم را نیز در دست داشتند که همین همجواری پهلوی و صهیونیسم

برای رسوایی این جماعت کفایت می‌کرد. اما علاوه بر آن، شهرام همایون با عصبانیت و خشم، آن‌ها را به خاطر زمین انداختن پرچم شیر و خورشید «ابله» نامید: «باور کنید که گربه کردم! پرچم شیر و خورشید را بر زمین انداختند. اگر جمهوری اسلامی، ۱۰ میلیون

فرهنگیتمان

فرهنگیتمان